



بی‌اسد

نگیسی جمهور سوریه، دمشق و منطقه

ناشناخته‌ها می‌شوند



یادداشت

«عدم قطعیت‌ها» تکثیر می‌شود



با پایان دولت سوریه، اسرائیل باید استراتژی‌های امنیتی و دیپلماتیک خود را تغییر دهد. شورشیان سوری از گروه‌ها و سازمان‌های مختلفی تشکیل شده‌اند که لزوماً دیدگاه‌های مشابهی بجز دشمنی مشترک با حکومت اسد ندارند. امیر بوهیات، تحلیلگر نظامی ارتش اسرائیل در جروزالم پست نوشت: اسرائیل باید مراقب تحولات در مرزها باشد و با گروه‌های مسلط در منطقه تماس برقرار کند تا توافق‌هایی برای حفظ ثبات حاصل کند.

تهدیدات ناشی از فعالیت‌های شورشیان: فعالیت شورشیان در نزدیکی مرزها یکی از نگرانی‌های اصلی اسرائیل است. نگرانی از این بابت که شورشیان به انبارهای تسلیحات غیرمتعارف ارتش سوریه دست یابند و این تسلیحات به دست گروه‌های دشمن بیفتد. علاوه بر این، اسرائیل آماده مقابله با تلاش‌های ایران و حزب‌الله برای دستیابی به تسلیحات استراتژیک است.

چالش‌های ایران: ایران در حال بررسی و ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های خود در سوریه است. با چنین فرجامی برای دولت اسد، ایران باید تصمیم بگیرد که آیا به دنبال ادامه پروژه هسته‌ای خود به عنوان وسیله‌ای برای حفاظت از منافع خود باشد یا با دولت ترامپ توافقی برای کسب آرامش چهارساله حاصل کند.

وضعیت حزب‌الله: حزب‌الله در حال بررسی وضعیت خود پس از شکست‌های اخیر است. این گروه در حال تلاش برای نجات ذخایر تسلیحاتی خود در جنوب لبنان است و به نظر می‌رسد که به هدفی برای شورشیان تبدیل خواهد شد.

نگرانی‌های اردن: اردن که با اسرائیل مرز طولانی و نسبتاً باثباتی دارد، تحولات سوریه را به دقت دنبال می‌کند. پایان یافتن دولت سوریه می‌تواند شورشیان را به سمت اردن سوق دهد، که این امر تهدیدی برای امنیت پادشاهی اردن به‌شمار می‌رود. پادشاه عبدالله دوم باید وضعیت امنیتی کشورش را تحت نظر داشته باشد و احتمال بروز تغییرات سیاسی داخلی را در نظر بگیرد.

عربستان سعودی: فرجام حکومت سوریه می‌تواند نقطه عطفی برای محور سنی به رهبری عربستان سعودی باشد. با این حال، عربستان سعودی در حال حاضر در موقعیت مناسبی برای تأثیرگذاری بر تغییرات منطقه‌ای نیست. اگر شورشیان قدرت بیشتری پیدا کنند، ممکن است که خواسته‌های خود را فراتر از سوریه گسترش دهند و این امر می‌تواند کل خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دهد.

نقش ایالات متحده: نیروهای نظامی آمریکا در منطقه مثلث مرزی سوریه، عراق و اردن مستقر هستند. در حال حاضر، مقامات آمریکایی تمایلی به درگیر شدن با شورشیان ندارند. حتی قبل از فرجام دولت اسد، برخی مقامات آمریکایی پیشنهاد کرده بودند که نیروهای خود را از منطقه خارج کنند. با این حال، چنین خروجی به معنای ضعف و فرار دادن اردن در معرض تهدید خواهد بود. پایان دولت بشار اسد تنها آغاز یک دوره جدید و پر از عدم قطعیت در سوریه و خاورمیانه است. اسرائیل و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای باید خود را برای یک محیط سریع‌تر در حال تغییر آماده کنند و به سرعت خود را با وضعیت جدید سازگار نمایند.

یادداشت

کرسترفیلیس

استاد دانشگاه لندن

ثبات باز نمی‌گردد



سقوط حلب در هفته گذشته از بسیاری جهات شبیه پیشروی‌های برق‌آسایی است که توسط نیروهای شورشی در اوایل جنگ داخلی طولانی سوریه انجام شد، همانند تهاجم به شرق حلب در سال ۲۰۱۲، رقه در سال ۲۰۱۳ و ادلب در سال ۲۰۱۵. اما این بار متفاوت است. سقوط هم‌غیرمنتظره و هم‌بی‌سابقه بود. حلب به عنوان دومین شهر سوریه و مرکز صنعتی قدیمی، یک غنیمت ارزشمند است. اسد مصمم بود در سال ۲۰۱۲ به نیمه غربی سوریه بچسبد و نیروهایش سال‌ها شرقی را محاصره کنند تا اینکه چهار سال بعد آن را با هزینه‌های گزاف پس گرفتند. ضعف نیروهای اسد را می‌توان تا حدی با غیبت حزب‌الله (به دلیل درگیری با اسرائیل) و کاهش جنگنده‌های روسی که مجدداً در اوکراین مستقر شده‌اند توضیح داد. هر دو نقشی کلیدی در بازپس‌گیری حلب داشتند. اما حتی بدون متحدان نیز از نظام سوریه انتظار می‌رفت که مقاومت بیشتری در برابر ائتلاف شورشی به رهبری «هیأت تحریرالشام» انجام دهد.

یک سناریو این است که این حمله نشان دهنده گشایش مرحله جدید جنگ داخلی طولانی مدت سوریه باشد. روسیه و ایران نسبت به دهه ۲۰۱۰ ظرفیت کمتری برای کمک به اسد دارند و تحریرالشام نسبت به گروه‌های شورشی که قبلاً با اسد می‌جنگیدند، جنگجویان کمتری دارد. اما این امر سوریه را به وضعیت (۲۰۱۱-۲۰۲۰) خود باز می‌گرداند: یک جنگ داغ در چند جبهه. اینکه این درگیری چقدر پایدار خواهد بود مشخص نیست. برخی هم‌اقدام کرده‌اند که روسیه با ایران ممکن است به دنبال جایگزین اسد برای تقویت منافع خود باشند. اما این خطر را به همراه دارد که وفاداران خشمگین او، این شخصیت جدید را نپذیرند و نظام را بیشتر تضعیف کنند.

پس از سال‌ها انزوای بین‌المللی، نشانه‌های بهبود اوضاع برای اسد دیده می‌شدند: از تجدید عضویت در اتحادیه عرب تا توفیقات سیاسی دیگر از جمله احیای روابط با کشورهای اروپایی، بویژه ایتالیا.

روسیه، ایران و ترکیه همگی از این بیم دارند که نبرد طولانی مدت منجر به جریان بیشتر پناهجویان و بی‌ثباتی منطقه‌ای بیشتر شود. ترکیه همچنین نگران است که نیروهای کرد-دموکراتیک سوریه (قسد) بتوانند قلمروهای بیشتری را در هرج و مرج اشغال کنند. به احتمال زیاد نوعی آتش‌بس میان روسیه و ترکیه با رضایت ایران صورت گرفته است. همچنین احتمال صلح با میانجیگری سازمان ملل متحد برای دستیابی به یک راه‌حل پایدار بیشتر است، اما شواهد کمی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت‌های منطقه‌ای یا غربی به اندازه کافی برای تحقق آن متعهد هستند. در عوض، آنکارا، تهران و مسکو به احتمال زیاد برای دستیابی به توافقی ماندگوارتر از سال ۲۰۲۰ به دست آمد، اما با یک منطقه حائل بسیار بزرگ‌تر تحت کنترل «تحریرالشام» شامل ادلب و حلب، مذاکره خواهند کرد. جمعیت متنوع حلب برای حکومت کردن شورشیان به رهبری تحریرالشام چالش برانگیز خواهد بود. نشانه‌های اولیه حاکی از آن‌اند که آنها به گروه‌های اقلیت مسیحی و کرد، اطمینان داده‌اند که متعرض آنها نمی‌شوند. اینکه این رویکرد آشتی‌جویانه چقدر واقعی است باید منتظر ماند. / Chatham House

آینده سوریه در گفت‌وگوی «ایران» با دو چهره آکادمیک از استرالیا و ترکیه می‌شود

تجزیه شام برای ایران و ترکیه تهدید است

چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند به تهنایی مانع این روند شوند.

نقش ترکیه در تحولات سوریه

این تحلیلگر ترک تبار در ادامه به نقش ترکیه در تحولات سوریه پرداخت و گفت که این کشور به طور غیرمستقیم از گروه‌های مخالف اسد حمایت کرده، اما در عین حال برخی مناطق را در شمال سوریه تحت کنترل خود دارد. ترکیه، در حال حاضر به نوعی در برابر تحولات سوریه نظاره‌گر است و عملاً به دنبال تأمین منافع خود در منطقه است.

آینده کردها

یکی از مهم‌ترین نکات مطرح شده توسط توپکوراوغلو، احتمال تشکیل یک «منطقه کرد» در مناطق شمال شرقی سوریه بود. او توضیح داد که کردها، تحت حمایت آمریکا، به دنبال ایجاد یک دولت مستقل در این منطقه هستند. این وضعیت می‌تواند به عنوان یک تهدید برای ترکیه و همچنین عراق و ایران تلقی شود. در واقع، ایجاد یک «منطقه کرد» در سوریه ممکن است موجب افزایش تنش‌ها در این سه کشور شود.

استاد دانشگاه استانبول در پایان تصریح کرد که تحولات اخیر در سوریه نشان‌دهنده دخالت‌های گسترده و پیچیده قدرت‌های خارجی از جمله آمریکا، اسرائیل، ترکیه و روسیه است که هرکدام به نوعی منافع خود را در این بحران دنبال می‌کنند. در حالی که اسرائیل و آمریکا از وضعیت بحرانی سوریه خوشحال هستند و تلاش می‌کنند تا نفوذ خود را در منطقه گسترش دهند، روسیه و ترکیه که سال‌ها در جنگ سوریه حضور داشتند، اکنون با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. با توجه به این وضعیت، سوریه در حال حاضر در یک مرحله بحرانی قرار دارد و آینده این کشور و منطقه بشدت به تصمیمات قدرت‌های بزرگ بستگی دارد.

به طور غیرمستقیم توانست بخش‌های بزرگی از منابع نفتی سوریه را تحت کنترل درآورد. به گفته توپکوراوغلو، گروه داعش به عنوان یک ابزار مؤثر برای ایجاد ناامنی و تضعیف دولت مرکزی در سوریه عمل کرد و در عین حال برای تأمین مالی عملیات‌های خود اقدام به غارت منابع نفتی و گازی این کشور کرد.

این منابع تحت کنترل داعش به‌طور عمده در مناطق شرقی سوریه و بویژه در نزدیکی مرزهای عراق قرار دارند. آمریکا در کنار تأمین مالی و تسلیحاتی این گروه‌ها، به‌طور مستقیم در غیرمستقیم به دسترسی به این منابع کمک کرده است. توپکوراوغلو معتقد است که این سیاست با به چالش کشیدن تمامیت ارضی سوریه موجب ضربه به اقتصاد این کشور شد و ثبات آن را به‌طور چشمگیری کاهش داد.

دخالت اسرائیل در بلندی‌های جولان

معاون حزب وطن ترکیه در خصوص دخالت‌های اسرائیل در بلندی‌های جولان نیز گفت که این منطقه برای اسرائیل بشدت استراتژیک است و از آغاز بحران در سوریه، اسرائیل به‌طور مستمر در حال تقویت موقعیت خود در این منطقه بوده است. او افزود که با درگیری‌های اخیر در سوریه، اسرائیل تلاش کرده تا موقعیت خود را در بلندی‌های جولان تثبیت کرده و از نفوذ ایران و حزب‌الله در این منطقه جلوگیری کند.

آینده سوریه و فرآیند تقسیم کشور

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، هاگان توپکوراوغلو به فرآیند تقسیم سوریه اشاره کرد و گفت که اکنون سوریه به سمت یک تقسیم نهایی پیش می‌رود. او خاطرنشان کرد که کشور به وضوح در حال تقسیم به مناطقی تحت کنترل گروه‌های مختلف است. مناطق تحت تسلط گروه‌های مخالف بشار اسد مانند هیأت تحریرالشام (HTS) در شمال غرب سوریه، کردها در شمال شرقی و ترکیه در شمال سوریه، همگی نشان‌دهنده تقسیمات فزاینده در سوریه هستند.

این استاد دانشگاه تأکید کرد که آمریکا و سایر کشورهای غربی از این وضعیت حمایت می‌کنند، چرا که این شرایط به آنها اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را در منطقه گسترش دهند. بویژه مناطق شرقی سوریه تحت کنترل کردها، به عنوان یک پایگاه استراتژیک برای آمریکا در نظر گرفته می‌شود. همچنین، روسیه و ایران که هر دو در سوریه حضور دارند، در شرایط کنونی با

پس از پایان دولت بشار اسد، سوریه وارد مرحله جدیدی از بحران شده است. دخالت‌های مستمر قدرت‌های جهانی به همراه بحران‌های اقتصادی و تجزیه احتمالی داخلی، این کشور را به نقطه‌ای رسانده که آینده آن در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در همین خصوص گفت‌وگویی با «هاگان توپکوراوغلو»، معاون حزب وطن ترکیه و استاد دانشگاه استانبول درباره تحولات اخیر سوریه، نقش بازیگران خارجی و پیامدهای آن برای منطقه داشتیم که مشروح آن در ادامه نقل می‌شود. توپکوراوغلو در گفت‌وگو با «ایران» همچنین به نقش اسرائیل در بلندی‌های جولان، دخالت‌های آمریکا در سرنوشته سوریه و تأثیر منابع انرژی این کشور در گسترش مداخلات خارجی در سوریه اشاره‌هایی داشت.

وضعیت فعلی سوریه و کناره‌گیری اسد از قدرت

توپکوراوغلو به وضعیت کنونی سوریه اشاره کرد و پایان یافتن دولت بشار اسد را نتیجه‌ای از مجموعه عواملی دانست که به‌طور عمده از تلاش برای خارجی و بحران‌های اقتصادی داخلی سوریه ناشی شده است. او توضیح داد که از یک‌سوی، تحریم‌های شدید و بحران‌های اقتصادی داخلی و از سوی دیگر، حمایت‌های مالی و نظامی خارجی از گروه‌های مخالف حکومت اسد، نقش بسزایی در این تحول ایفا کرده‌اند.

نقش آمریکا و کشورهای غربی در فرجام دولت اسد

وی در ادامه به‌طور ویژه به نقش ایالات متحده و کشورهای غربی در بحران سوریه اشاره کرد. او تأکید کرد که قدرت‌های غربی از پایان دولت بشار اسد بویژه در راستای منافع استراتژیک خود در منطقه خوشحال هستند. یکی از دلایل این خوشحالی، از دست رفتن تسلط دولت سوریه بر منابع نفتی و گازی این کشور است که بویژه در شرق سوریه قرار دارند. به گفته او آمریکا و هم‌پیمانانش از سال‌ها پیش تلاش کرده‌اند تا این منابع را تحت کنترل خود درآورند.

غارت منابع نفت و گاز سوریه

توپکوراوغلو توضیح داد که در طول سال‌های جنگ داخلی سوریه، یکی از اولویت‌های اصلی آمریکا، بهره‌برداری از منابع طبیعی این کشور، بویژه نفت و گاز بوده است. از طریق حمایت از گروه‌های مختلف مخالف دولت بشار اسد و بویژه از طریق گروه تروریستی داعش، آمریکا



و وضعیت غیرقابل اطمینان زیرساخت‌های سوریه در تشدید بحران اشاره کرد و افزود: «بحران اقتصادی که ناشی از شورش‌های برآمده از تأمین مالی خارجی و تحریم‌ها بود، موجب کاهش شدید روحیه مردم و فساد در میان مقامات شد. این وضعیت باعث تضعیف حمایت از نظام سوریه و در نهایت شکست آن شد.»

آینده سوریه در دوران پس از اسد

در بخش پایانی مصاحبه، دیوید اسمیت به آینده سوریه و نقش کشورهای خارجی در دوران پس از بشار اسد اشاره کرد. به نظر می‌رسد، سوریه در آینده به یک میدان جنگ منطقه‌ای تبدیل خواهد شد که بسیاری از کشورهای خارجی بویژه اسرائیل، ترکیه و ایالات متحده در آن نقش خواهند داشت. اسمیت همچنین پیش‌بینی می‌کند که کردها در تلاش برای تشکیل یک کردستان مستقل در سوریه خواهند بود و این موضوع به درگیری‌های بیشتر در آینده خواهد انجامید. اسمیت معتقد است که در غیاب بشار اسد، سوریه در معرض تجزیه و فروپاشی اجتماعی قرار خواهد گرفت: «اگرچه بشار اسد توانسته بود وحدت نسبی میان اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف سوریه حفظ کند، اما اکنون با پایان دولت او، این وحدت احتمالاً از بین خواهد رفت و سوریه به الگویی مشابه با وضعیت لیبی تبدیل خواهد شد.» در مجموع، دیوید اسمیت معتقد است که مداخلات خارجی، تحریم‌ها و حمایت از گروه‌های مخالف در نهایت موجب تضعیف دولت بشار اسد شد. با وجود این، آینده سوریه همچنان به‌شدت مبهم است و احتمالاً شاهد روندی مشابه با وضعیت لیبی خواهیم بود، جایی که کشور درگیر بحران‌های داخلی و جنگ‌های نیابتی خواهد شد. کشورهای خارجی همچنان در تلاش هستند تا منافع خود را در سوریه تأمین کنند، و این کشور در آینده‌ای نه‌چندان دور به یک میدان جنگ منطقه‌ای تبدیل خواهد شد.

